



آزمایشگاه داده و حکمرانی
Data 4 Governance Lab

گزارش

سند پروژه کنترل والدینی

پیوست چهارم: تحلیل ذی نفعان



امیرحسین سلامی راد-مریم زهدی

استودیو فناوری‌های تنظیم‌یار

تیرماه ۱۴۰۰





گزارش پروژه

آزمایشگاه داده و حکمرانی - استودیو فناوری‌های تنظیم یار

نوع سند

حوزه تخصصی

برنامه

عنوان

نگارنده/نگارندگان

ناظر کیفی

تاریخ انتشار

مخاطب

مریم زهدی - امیرحسین سلامی راد

عمادالدین پاینده

تیرماه ۱۴۰۰

سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر

جملات کلیدی

کلمات کلیدی

کنترل والدینی، تنظیم‌گر، خانواده، بخش خصوصی، رسانه، منفعت عمومی

فهرست

مقدمه	۲
۱-حاکمیت (تنظیم گر)	۲
۱-۱-برقراری نظم و ایجاد چارچوب از طریق تنظیم گری، سیاست گذاری و نظارت بر تنظیم شوندهگان	۳
۱-۲-حفظ منافع ملی و عمومی	۳
۱-۳-پایش مستمر تنظیم شونده	۳
۲-بخش خصوصی (رسانه)	۴
۲-۱-تعدد تنظیم گر	۴
۲-۲-تعامل موثر و همگام بودن تنظیم گر و تنظیم شونده	۵
۲-۳-عملیاتی بودن الزامات و وجود زیرساخت های لازم جهت اجرا	۵
۲-۴-توجه به تضاد منافع و یافتن راه حل بهینه برای حل تعارضات	۶
۲-۵-لزوم وجود سیستم یکپارچه برای اعمال رده بندی سنی	۶
۲-۶-لزوم مداخله و نقش آفرینی توأم والدین	۷
۳-مصرف کننده (والدین)	۷
۱-۱-لزوم افزایش آگاهی، سواد رسانه ای و شناخت امکانات فضای مجازی توسط والدین	۸
۱-۲-لزوم آموزش و اطلاع رسانی به کودکان در خصوص آسیب های فضای مجازی	۹
۱-۳-عدم آگاهی والدین از وجود ابزارها و امکانات کنترل والدینی	۱۰
۱-۴-کمبود ابزارها و امکانات موثر جهت اعمال کنترل و نظارت والدین	۱۰
۱-۵-لزوم وجود رابط کاربری مناسب در ابزارهای کنترل والدینی	۱۰
۱-۶-اطلاع کودکان از اعمال مراقبت و پایش	۱۱
جمع بندی	۱۲

فهرست اشکال

- شکل ۱: ذی نفعان مسئله کنترل والدینی..... ۲
- شکل ۲: اینفوگرافی محورهای اصلی دغدغه ها و نیازمندی های ذی نفعان مسئله کنترل والدینی..... ۱۲

مقدمه

گسترش روزافزون استفاده از اینترنت در بین افراد به ویژه کودکان و نوجوانان، نگرانی‌هایی را در سراسر جهان و طبیعتاً کشورمان به همراه داشته است. اینترنت برای کودکان فضایی است با قابلیت‌های جذاب و متنوع از جمله امکانات آموزشی، سرگرمی، اطلاع رسانی، ارتباطات و هم‌زمان خطرهای نهفته بسیار که ممکن است در صورت عدم اتخاذ رویکردهای مناسب در راستای ایمن سازی این اکوسیستم برای کودکان، آن‌ها را تهدید کند و مشکلات و آسیب‌های جسمی و روحی برای آنان ایجاد نماید. این مسئله همواره مورد توجه قانون‌گذاران و سایر نهادهای مربوطه بوده است اما در سال‌های اخیر با گسترش آموزش آنلاین، افزایش استفاده از رسانه‌های اجتماعی در میان کودکان و به طور کلی کاهش سن استفاده از اینترنت در میان کودکان، مسئله کنترل والدینی با محوریت مراقبت از کودکان در فضای رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر اعم از رسانه‌های کاربر پدید^۱ یا ناشر محور^۲ به یک دغدغه مهم و نیاز مسلم بدل شده است. در یک نگاه کلی، می‌توان دغدغه‌مندان و طبیعتاً ذی نفعان مسئله کنترل والدینی را در قالب سه نهاد تنظیم‌گر، رسانه (بخش خصوصی) و والدین (خانواده) دسته‌بندی کرد که هر یک به فراخور اختیارات و وظایف خود می‌کوشند تا بخشی از فرآیند اجرا و پیاده سازی اکوسیستم ایمن کودکان در رسانه را محقق سازند.

ذی نفع به شخص یا سازمانی گفته می‌شود که از یک مقوله تاثیر می‌گیرد و یا بر آن تاثیر می‌گذارد. در این فاز از پژوهش، به بررسی ذی نفعان مسئله و دغدغه‌های هر یک از نهادهای مداخله‌گر در فرآیند سیاست‌گذاری و اجرای قوانین و دستورالعمل‌ها پرداخته خواهد شد. به این منظور گروهی از افراد فعال در حوزه تنظیم‌گری، رسانه و والدین برگزیده شده‌اند تا به نمایندگی از نهاد مربوطه، دغدغه‌ها و اهداف هر یک را تبیین نمایند. گروه مورد مطالعه شامل مدیران، معاونین و کارشناسان سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر، مسئولین و کارشناسان رسانه پرمخاطب و هم‌چنین ۱۰ نفر از والدین که کودک یا نوجوان زیر ۱۵ سال دارند، هستند.

^۱ User Generated Content (UGC)

^۲ Video On Demand (VOD)



شکل ۰۱: ذی نفعان مسئله کنترل والدینی

۱- حاکمیت (تنظیم‌گر)

قانون‌گذار و یا تنظیم‌گر در پی محافظت از منفعت عمومی در مقابل منفعت خصوصی است که این هدف از طریق تصویب و نظارت بر شیوه اجرای قانون حاصل می‌شود. تنظیم‌گر در پی آن است تا رسانه را ملزم به رعایت قوانین و نهایتاً کسب صلاحیت از طریق نیل به الزامات و استانداردهای مصوب نماید. البته این امر جز با تدقیق الزامات و تسهیل مسیر پیاده سازی قوانین محقق نخواهد شد. اهداف محوری و حقوق تنظیم‌گر در این اکوسیستم به تفصیل در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت.



۱-۱- برقراری نظم و ایجاد چارچوب از طریق تنظیم گری، سیاست گذاری و نظارت بر تنظیم شوندهگان

سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر (ساترا) یکی از نهادهای کلیدی در مقوله تنظیم گری و سیاست گذاری پیرامون حفظ امنیت کودکان در فضای مجازی-به طور خاص تر رسانه- است. ساترا در پی ایجاد یک رویکرد سیاست گذاری و نظارتی موثر است که در سایه آن، بستری ایمن و منطبق با قوانین مصوب فراهم شود تا رسانه و کاربر محتوا، بتوانند در چارچوب‌های موجود به فعالیت بپردازند. انطباق حداکثری رسانه با الزامات و قوانین تنظیم گر متضمن ایجاد و بقای این اکوسیستم ایمن است که با قانون گذاری صحیح از جانب تنظیم گر، پیاده سازی و اجرای کارآمد از جانب رسانه و استفاده صحیح از جانب کاربر محقق خواهد شد.

۱-۲- حفظ منافع ملی و عمومی

در میان کاربران و گروه‌های مخاطب رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر، بخش قابل توجهی را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند. این گروه از مخاطبان به دلیل مقتضیات سنی و ویژگی‌هایی نظیر ساده‌انگاری، خطرپذیری، کنجکاوی و سایر عواملی که آن‌ها را در برابر خطرات و ریسک‌های فضای مجازی در مقایسه با مخاطبان دیگر آسیب پذیرتر می‌سازد به حمایت و نظارت بیشتری نیاز دارند. این مسئله، کنترل و مراقبت از کودکان در فضای مجازی را در سراسر جهان به یک دغدغه مهم و یک منفعت عمومی تبدیل کرده است که مشارکت فعال ذی‌نفعان را می‌طلبد. کودکان و نوجوانان حق استفاده از فضای مجازی و رسانه‌های نمایش محتوا را دارند، اما در مواردی به علت نقض قوانین و یا ناکارآمدی در فرآیند پیاده سازی و اجرای الزامات توسط رسانه‌ها، این حق از آنان سلب می‌شود. پیش‌فرض اولیه برای حضور کودکان و نوجوانان در بسترهای نامبرده، ایمن سازی از هرگونه محتوای ممنوعه است. گفتار نامناسب و الفاظ رکیک، محتوای جنسی و صحنه‌های تحریک کننده، نمایش یا تشویق به استفاده از مواد مخدر و اعتیادآور، محتوای خشونت آمیز و یا محتوایی که کودکان را ترغیب و تشویق به فعالیت‌های خطرآفرین و آسیب زا می‌کند، نمونه‌هایی از محتوای ممنوعه برای مشاهده کودکان هستند که تنظیم گر از رسانه انتظار دارد تا اقدامات حداکثری را در جهت حذف احتمال مشاهده این قبیل مضامین توسط مخاطبان کودک و نوجوان فراهم نماید. رسانه ملزم است تا در جهت نیل به این هدف مهم از زیرساخت‌های لازم، فناوری‌های موجود و ابزارهایی نظیر هوش مصنوعی، زنجیره بلوکی، احراز هویت آنلاین، یادگیری ماشین و غیره بهره بگیرد. ساترا به عنوان تنظیم گر فعال این حوزه، از طریق قانون گذاری و تصویب الزامات فنی و محتوایی، تکالیفی را در جهت حفاظت و صیانت از امنیت کودکان و نوجوانان در رسانه‌های صوت و تصویر وضع نموده است.

۱-۳- پایش مستمر تنظیم شونده

پایش، نظارت و ارزیابی مستمر تنظیم شوندهگان از اهداف و حقوق نهاد تنظیم گر است که به صورت دوره‌ای انجام می‌شود. ارزیابی و سنجش میزان انطباق با قوانین و پیاده سازی الزامات، نهاد تنظیم گر را نسبت به گام‌های آتی در فرآیند قانون گذاری و نظارت تجهیز نموده و شناخت و آگاهی نسبت به جایگاه فعلی، نحوه هدف گذاری و اتخاذ استراتژی

بهینه در دستیابی به جایگاه موردانتظار را حاصل می نماید. به علاوه، فرآیند ارزیابی موجب شفاف سازی انتظارات نهاد تنظیم گر از رسانه و چارچوب مندی آن می شود. ارزیابی و انطباق سنجی با حصول بینش هایی در خصوص نارسایی های زیر ساختی موجود و یا نقاط ضعف فنی رسانه در پیاده سازی قوانین، این امکان را فراهم می کند تا با ایجاد یک رویکرد ایجابی از اقدامات قهری و سلبی جلوگیری شود. نباید فراموش کرد که هدف، تسهیل مسیر دستیابی به الزامات و اجرای قوانین است و نه صدور و اعمال دستورات قهری، جریمه، ممنوعیت فعالیت یا هرگونه اقدامات سلبی دیگر.

۲- بخش خصوصی (رسانه)

رسانه به عنوان بخش فعال در زمینه تولید و یا ارائه خدمات محتوایی، یکی از اصلی ترین ذی نفعان مسئله کنترل والدینی است. بقای رسانه در بازار کسب و کار به صورت توأم از احصا قوانین تنظیم گر و جلب رضایت مصرف کننده حاصل می شود. همین مسئله موجب شده است تا مسئولیت سنگینی بر دوش رسانه قرار گیرد زیرا نهایتاً، برآیند قوانین بالادستی و تقاضای مصرف کننده در کم و کیف فعالیت رسانه نمایان می شود و رسانه، جلوه گاه تمامی تصمیمات، اقدامات، نیازمندی ها و حتی ضعف ها و نواقص زیرساختی یا فنی بازیگران این حوزه است.



نقش آفرینی اساسی و وظایف خطیر رسانه در تولید و ارائه محتوای مناسب برای کودکان و نوجوانان، طبعاً با مجموعه ای از حقوق و مطلوبیات برای آن همراه است. به عنوان یکی از ذی نفعان مسئله کنترل والدینی انتظار می رود تا حداقل امکان موجبات دست یابی به این حقوق و امکانات از سمت نهادهای مربوطه فراهم شود. طی مصاحبه با برخی از صاحبان رسانه های ارائه دهنده محتوای کودک و نوجوان، موارد ذیل به عنوان دغدغه های اصلی مطرح شده است که آگاهی از آن در جایگاه تنظیم گر یا والدین می تواند به بهبود فرآیند تعامل و افزایش کیفیت خدمات اکوسیستم ایمن کودک و نوجوان در فضای مجازی منتهی شود.

۱-۲- تعدد تنظیم گر

فضای مجازی به مثابه یک بستر پهناور دارای لایه ها و مراتب بسیاری است که همین ویژگی موجب شده است تا نهادهای بسیاری بر موضوع تنظیم گری و قانون گذاری فضای مجازی متمرکز شوند. اگرچه این مسئله در برخی از موارد، کنترل و پایش فضای مجازی را تسهیل نموده است اما با این وجود در مواردی هم موجب بروز چند دستگی و حتی بروز

تضاد و تعارض شده است. وحدت نظر و یکپارچگی از سوی قانون گذاران و تنظیم گران، متضمن ابلاغ قوانینی یکپارچه و جامع است که احتمال اجرا و پیاده سازی موفق آن ها را افزایش می دهد. در کشور ایران، پایش فضای مجازی تحت نظر نهادهایی همچون وزارت ارتباطات، شورای عالی فضای مجازی، سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات و سازمان تبلیغات اسلامی است. به زعم اصحاب رسانه، این چند دستگی در برخی از موارد موجب تعارض قوانین و در نتیجه بروز عدم شفافیت در قوانین و الزامات می شود. در چنین شرایطی علاوه بر این که اثرگذاری مطلوب حاصل نخواهد شد، رسانه نیز متوجه نقص ها و ناکارآمدی هایی در اجرا و پیاده سازی قوانین خواهد بود که منجر به اقدامات قهری و سلبی از جمله تذکرات شفاهی و کتبی، جریم نقدی یا غیرنقدی، محدودیت در خدمت رسانی، منع فعالیت یا ... خواهد شد.

۲-۲- تعامل موثر و همگام بودن تنظیم گر و تنظیم شونده

میزان عملیاتی بودن و احصایی قوانین یکی از چالش هایی است که در بحث تنظیم گری رسانه مطرح است. یکی از انتظارات رسانه این است که تنظیم گر چه در فاز قانون گذاری و چه در فاز اجرایی، تعامل موثری با رسانه داشته و قانون گذاری به شیوه تعاملی انجام شود. این رویکرد می تواند قطعیت اجرای قوانین را افزایش دهد. علاوه بر این، احتمال تخطی رسانه و نقض قوانین - خواسته یا ناخواسته - کاهش خواهد یافت. چرا که در تمام مراحل قوانین با توجه به زیرساخت های موجود و میزان عملیاتی بودن آن ها مصوب خواهد شد. این مسئله ضمن افزایش درک متقابل رسانه و تنظیم گر از دغدغه ها و چالش های یکدیگر، متضمن تحقق حداکثری الزامات و استانداردهای مورانتظار از رسانه است.

۲-۳- عملیاتی بودن الزامات و وجود زیرساخت های لازم جهت اجرا

در برخی موارد، قوانین و الزاماتی مورد تصویب نهادهای قانون گذار و تنظیم گر قرار می گیرد که در مرحله اجرا، برخلاف آنچه که در ابتدا می نماید، به سادگی قابل دستیابی و پیاده سازی نیستند. پیاده سازی الزامات و قوانین مصوب از سوی نهاد(های) تنظیم گر در مرحله اجرای چالش هایی است که در نتیجه ی ضعف و کمبود زیرساخت های موجود، عدم وجود امکانات کافی برای بهره گیری از ابزارهای مدرن، محدودیت بودجه تخصیص یافته، عدم وجود نیروی متخصص، عدم توجه و الگوبرداری صحیح از نمونه های موفق جهانی و سایر عواملی از این دست پدید می آید.

به طور مثال یکی از الزامات مهم و قابل توجه نهاد تنظیم گر، ارائه تو صیف گر (شامل رده بندی سنی مناسب مخاطب، نوع محتوا، ژانر محتوا،...) ذیل محتوای منتشر شده در رسانه هایی با محتوای کاربرپدید است. اگرچه این الزام، بسیار حائز اهمیت است و در فاز قانون گذاری چندان مشکل به نظر نمی آید اما در فاز اجرایی به راحتی قابل احصا نیست. با توجه به اینکه محتوای رسانه های کاربر پدید، توسط کاربران بارگذاری می شود لذا به سادگی پلتفرم های نا شرمحور قابل پایش نیستند. طبق آمار منتشر شده، در رسانه آپارات که اکنون در رتبه دوم الکسا در ایران بعد از گوگل قرار دارد، روزانه بیش از چهار صد هزار ویدئو توسط کاربران بارگذاری می گردد که طبعاً الزام همه ی بارگذارندگان محتوا به رعایت دستورالعمل ها امری دشوار است. از طرفی با فرض الزام قوانین و رعایت آن ها از جانب بارگذارنده محتوا، تضمین بالایی بر دقت و کیفیت توصیف گر ارائه شده از جانب بارگذارنده محتوا وجود ندارد.

البته در چنین شرایطی انتظار می‌رود که رسانه جهت تلاش حداکثری در راستای حصول الزامات مصوب از سوی نهاد تنظیم‌گر، از فناوری‌های پیشرفته و ابزارهای موثرتری بهره‌جوید. به طور مثال ابزارهای مبتنی بر یادگیری ماشین که با تشخیص بهنگام، انواع محتوا را مورد بررسی قرار داده و با تخصیص برچسب‌های مناسب، امکان دسته‌بندی محتوا را فراهم می‌سازند.

۴-۲- توجه به تضاد منافع و یافتن راه حل بهینه برای حل تعارضات

اگرچه هدف کلان در این زنجیره، تحقق یک بستر ایمن در رسانه برای فعالیت کودکان و نوجوانان است و تمرکز عمده‌ی نهادهای ذی‌نفع بر این مسئله معطوف است اما با این حال به دلیل وجود تفاوت‌هایی در ساختار نهادهای ذی‌نفع، شاهد بروز تضاد منافع میان دو ذی‌نفع و یا حتی تضاد منافع در خصوص یکی از ذی‌نفعان هستیم. به طور مثال الزام تخصیص بخش مشخصی از محتوا به محتوای کودک و هم‌چنین اعمال ممنوعیت تبلیغات برای کودکان زیر بازه سنی تعریف شده یک الزام جدی از سوی نهاد تنظیم‌گر است که با توجه به نیاز رسانه جهت کسب صلاحیت از تنظیم‌گر به یک منفعت برای رسانه نیز تبدیل می‌شود. از طرفی بدیهی است که بخش قابل توجهی از درآمد رسانه از طریق تبلیغات حاصل می‌شود. در چنین شرایطی که تضاد منافع مشاهده می‌شود لازم است تا با اتخاذ یک رویکرد بهینه نسبت به حل این تعارض اقدام شود. بدیهی است که با استناد به آنچه در موارد پیشین ذکر شد، تعامل و هم‌اندیشی توأمان تنظیم‌گر و رسانه و حتی والدین روند حل تعارض را تسریع نموده و حصول نقطه بهینه را برای احصای همزمان منافع فراهم می‌سازد.

۵-۲- لزوم وجود سیستم یکپارچه برای اعمال رده بندی سنی

متأسفانه در مطالعه و بررسی رسانه‌ها عدم وجود یک سیستم جامع و استاندارد یکپارچه جهت تفکیک رده‌های مختلف سنی و اعمال آن بر روی محتوا به چشم می‌خورد. رده‌بندی سنی در بسیاری از رسانه‌ها به طور غیراستاندارد انجام شده است و تفاوت موثری ایجاد نمی‌کند. به طور مثال نیاز است تا بازه سنی صفر تا ۱۱ سال^۳، دست کم به چهار بازه مجزا تفکیک شود. بدیهی است این تفکیک باید با توجه به نوع محتوا و نظر خبرگان این حوزه طراحی و تدوین شود. اما آنچه موجود است تنها یک رده‌بندی سنی ناکارآمد است که حتی در بعضی موارد مشاهده می‌شود که رسانه‌ها تنها به کپی‌برداری از رده بندی اعمال شده در خصوص محتوای مشابه در سایر رسانه‌ها- به خصوص رسانه‌های پرتعداد و ممتاز- اکتفا کرده‌اند و بدون توجه به نوع و جنس محتوا اقدام به اعمال رده بندی سنی نموده‌اند. لزوم وجود یک

^۳ این عدد در کشورها و حتی در رسانه‌های گوناگون با توجه به تعاریف و دستورالعمل‌های ارائه شده متفاوت است. در برخی از رسانه‌ها سن ۱۳، ۱۵ و یا سن قانونی ۱۸ سال به عنوان مرز تفکیک کودک و غیر کودک در نظر گرفته می‌شود.

سیستم یکپارچه که به عنوان مرجع واحد توسط رسانه ها مورد استفاده قرار بگیرد یکی از مهم ترین نیازمندی‌هایی است که توسط اصحاب رسانه مطرح شده است.

۲-۶- لزوم مداخله و نقش آفرینی توأم والدین

همانطور که پیش تر نیز اشاره شد، تحقق اکوسیستم ایمن کودکان در فضای رسانه در گرو همکاری و تعامل حداکثری نهادهای ذی نفع است. میزان مداخله و لزوم نقش آفرینی والدین یک از دغدغه‌های مهم رسانه است که می‌تواند موجب مصونیت رسانه از برخوردهای قهری یا سلبی از سوی تنظیم‌گر شود. رسانه موظف است تا زیرساخت‌های لازم و انواع مختلف ابزارها را جهت کنترل و نظارت کودکان توسط والدین فراهم نماید. هم چنین ارائه آموزش و راهنمایی‌های موردنیاز، خدمات پشتیبانی، گزارش دهی و به روزرسانی اپلیکیشن (در صورت وجود) از جمله وظایف رسانه جهت افزایش کارآمدی ابزارها و بهبود رابطه کاربری است. در ادامه مسیر، مشارکت حداکثری والدین در استفاده از ابزارها و زیرساخت‌های موجود متضمن تحقق یک بستر امن برای کودکان خواهد بود. همانگونه که از بررسی و مطالعه نمونه‌های موفق جهانی نیز بر می‌آید، پلتفرم‌های ارائه دهنده محتوای صوت و تصویر در صدد هستند تا زیرساخت‌ها و امکانات لازم را ارائه نمایند و در ادامه انتظار می‌رود که والدین با شناخت و استفاده بهنگام و به جا از این ابزارها، فرآیند را تکمیل نمایند. تنها در این صورت است که مجموعه قوانین مصوب و هم چنین اقدامات تنظیم‌گرانه موثر واقع می‌شود و نهایتاً هدف اصلی تحقق خواهد یافت.

۳- مصرف کننده (والدین)

شکل‌گیری دهکده جهانی که از مهم‌ترین اثرات ظهور پدیده اینترنت بوده است تحولات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی چشمگیری را رقم زده است. پدیده‌ی شکاف نسلی یکی از مهمترین پیامدهای حاصل از تحولات نامبرده در جامعه است. این پدیده همواره چالش‌ها و اخلاقیاتی را در ارتباط والدین و کودکان پدید آورده است اما آنچه از شواهد برمی‌آید نشانگر آن است که به علت شتاب فزاینده‌ی تحولات، نسل والدین و نسل فرزندان در هر دهه نسبت به دهه قبل از آن با واگرایی بیشتری همراه است و هر نسل از تمایلات، انتظارات، ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود برخوردار شده است. بی شک نفوذ اینترنت و دستگاه‌های هوشمند، شکاف نسلی را قوت بخشیده است. از این جهت، چالش‌هایی در زمینه ارتباط والدین و کودکان رخ داده است که باید تلاش کرد تا حداقل امکان از اثرات مخرب این پدیده کاسته شده و تلاش‌هایی در جهت یافتن یک فهم مشترک از مسائل روز پدید آید. به طور عمده، نسل والدین دارای گرایش‌های معنوی (مذهبی- سنتی) هستند، این درحالی است که نسل فعلی دارای گرایش‌های مادی (اقتصادی- اجتماعی) هستند و همین مسئله نقطه شروع تفاوت‌ها و چالش‌های ارتباط کودکان و والدین است.

خانواده به عنوان اولین نهاد رشد و تربیت کودکان و یکی از مهم ترین ذی نفعان مسئله کنترل والدینی، نگرانی‌هایی را در این خصوص دارند که طبعاً منجر به برخی اقدامات در این راستا شده است. اما به دلیل عدم وجود یک رویه یکپارچه

و خدمات غنی در این حوزه، تلاش‌های نامنسجم والدین برای مراقبت و کنترل از کودکان در این فضا، با اقبال چندانی مواجه نشده است. در بسیاری از موارد، والدین به علت عدم آگاهی و شناخت درست از فضای مجازی و ویژگی‌های آن، نمی‌توانند کنترل و مراقبت صحیحی از فرزندان خود داشته باشند. سید محسن مروجی کارشناس فضای مجازی با اشاره به شکاف فناوری میان نسل امروز و دیروز تاکید می‌کند که اگر والدین از ورود هدفمند به دنیای دیجیتال خودداری کنند با توجه به سرعت فزاینده نفوذ فناوری در وجوه مختلف زندگی انسانی، این شکاف بیشتر می‌شود و بنابراین ضریب درک متقابل میان والدین و کودکان کمتر و کمتر می‌شود. این چالش زنگ هشدار در جهت لزوم اتخاذ برخی تدابیر و آموزش‌ها در این باب است. در ادامه دغدغه‌ها و نیازمندی‌های والدین مورد مطالعه در پژوهش به تفصیل ارائه شده است.



1-1- لزوم افزایش آگاهی، سواد رسانه‌ای و شناخت امکانات فضای مجازی توسط والدین

آنچه فراتر از امکانات و ابزارهای موجود در مراقبت و کنترل کودکان اهمیت دارد، دانش خانواده‌ها نسبت به امکانات، ویژگی‌ها و خصوصیات فضای مجازی است. امروزه فضای اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، امکانات و ویژگی‌های بسیاری را در خود جای داده‌اند و علاوه بر آن در هربار به روزرسانی مرتباً امکانات جدیدی به آن‌ها اضافه می‌شود. این در حالی است که بسیاری از والدین از ویژگی‌ها و امکانات این بسترها ناآگاه هستند. طبق آمار، هرچه سن افراد بالاتر می‌رود از قابلیت‌های دستگاه‌های ارتباطی کمتر استفاده می‌کنند.

به نقل از یکی از والدین مورد مطالعه، کودک این خانواده برای اطلاع از زمان برگشت والدین به منزل، جی پی اس^۴ تلفن همراه آنان را فعال نموده و از این طریق، موقعیت والدین را مشاهده کرده است تا تخمینی از زمان بازگشت آنان به منزل داشته باشد. در حالی که یک کودک خرد سال به راحتی و با شناخت یکی از ابتدایی‌ترین امکانات تلفن همراه، موفق به انجام این کار شده است، والدین از وجود چنین ویژگی‌ای بی‌اطلاع بودند.

^۴ Global Positioning System(GPS)

این مثال واقعی به سادگی اهمیت اطلاع رسانی و آموزش والدین را محرز می سازد. با افزایش دانش والدین نسبت به نوع استفاده از فضای مجازی و امکانات و ویژگی‌های آن، احتمال استفاده از راه‌های میانبر توسط کودکان کاهش می‌یابد، نظارت به روش موثری صورت می‌پذیرد و اثرگذاری ابزارهای کنترلی و نظارتی افزایش می‌یابد.

۱-۲- لزوم آموزش و اطلاع رسانی به کودکان در خصوص آسیب‌های فضای مجازی

کودکان سرشار از حس کنجکاوی هستند و چه بستری مطلوب‌تر از فضای اینترنت؟ فضای اینترنت نه تنها یک محیط بسته با چارچوب مشخص نیست بلکه محیطی آزاد با انواع کاربر و محتوا است که بخش عمده‌ای از آن‌ها برای کودکان نامناسب، مضر و آسیب‌زننده است. کودکان به علت حس کنجکاوی و روحیه ماجراجویانه، همواره به دنبال کشف و تجربه مسایل جدید هستند. از طرفی به علت سن کم و ناآگاهی از خطرات و تهدیدات فضای مجازی، معمولاً برآورد صحیحی از ریسک‌های موجود ندارند. تلفیق این حس کنجکاوی و ساده‌انگاری خطرات، می‌تواند کودکان را متوجه آسیب‌های بسیاری نماید که در برخی موارد جبران‌ناپذیر باشند. علاوه بر این نوعی تفاوت رفتاری در استفاده از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی میان بزرگسالان و کودکان مشاهده می‌شود. اغلب کودکان و نوجوانان تمایل دارند تا در بستر اینترنت، احساسات، عواطف، هیجانات و تجربیات شخصی خود را به اشتراک بگذارند و همین مسئله یک ریسک بالقوه برای امنیت اطلاعات آن‌ها به شمار می‌رود.

کودکان به علت داشتن آمادگی ذهنی و سرعت بالای یادگیری بسیار ساده‌تر از والدین خود، کار با ابزارها و بسترهای فناورانه را می‌آموزند اما به همان نسبت از خطرات آن‌ها بی‌اطلاع‌اند و در صورت تذکر والدین، آن‌ها را به منزله سخت‌گیری و یا محدودسازی تلقی می‌کنند. حلقه مفقوده در ایجاد تعادل میان دو خصیصه کنجکاوی و ساده‌انگاری، آموزش کودکان است.

ضروری است تا به کودکان آموزش داده شود که اینترنت به خودی خود فضای ایمنی نیست و بسیاری از افرادی که تحت عنوان کاربر در پلتفرم‌های پیام‌رسان، نمایش ویدئو، بازی و ... با آن‌ها آشنا می‌شوند قابل اعتماد نیستند و ممکن است حتی با هویت‌های جعلی، قصد سوءاستفاده و تجاوز به حریم شخصی کودکان را داشته باشند. کودکان باید چگونگی شناسایی این تهدیدها و خطرات و اقدام‌های ضروری برای مقابله با آن‌ها را فرا بگیرند و مسئولیت اقدام‌هایی که انجام می‌دهند را بپذیرند. کودکان باید متوجه این امر باشند که افراد در فضای مجازی لزوماً آن‌چه خود را معرفی می‌کنند نیستند. محرمانه نگه داشتن اطلاعات و جزئیات شخصی در فضای مجازی و عدم دسترسی عمومی به آن‌ها، اقدام دیگری است که باید به کودکان پیش و در زمان استفاده از اینترنت آموزش داده شود. همچنین لازم است تا به کودکان در مورد حریم خصوصی آموزش داده شود. اسامی، آدرس‌ها، رمزهای عبور، تصاویر شخصی، کد ملی و اطلاعات شناسایی، شماره تلفن، شماره حساب و سایر اطلاعات بانکی همگی اطلاعات شخصی هستند که نباید در اختیار سایرین قرار بگیرند اما در مواردی شاهد هستیم که کودکان در اثر ناآگاهی به سادگی این اطلاعات را در اختیار افراد سودجو و کلاهبردار قرار می‌دهند و زمینه‌ساز انواع جرایم سایبری می‌شوند.

علاوه بر آموزش و اطلاع رسانی توسط خانواده به عنوان اولین نهاد رشد و تربیت کودکان، نهادهای آموزشی مانند مدارس، کانون‌های پرورش فکری، فرهنگسراها و سایر مراکز آموزشی باید در جهت آموزش مسائل کلیدی در حین استفاده از اینترنت و افزایش و تقویت مهارت‌های رفتاری نظیر قدرت تشخیص، داوری و قدرت نه گفتن، اقدامات لازم و کافی را انجام نمایند.

۳-۱- عدم آگاهی والدین از وجود ابزارها و امکانات کنترل والدینی

عدم اطلاع رسانی مناسب نسبت به وجود امکانات و ابزارهایی که والدین برای مراقبت از کودکان خود در فضای مجازی از آن‌ها استفاده نمایند یکی از دغدغه‌های اصلی والدین است. طبق بررسی‌ها و مصاحبه‌های انجام شده، بسیاری از والدین مورد مطالعه در پژوهش از وجود ابزارهایی برای کنترل و مراقبت از کودکان بی‌اطلاع‌اند و یا در صورت اطلاع از وجود این ابزارها به دلیل عدم ارائه مناسب، استفاده از آن‌ها را چندان کارآمد نمی‌دانند. به عبارت دیگر، والدین اینگونه تصور می‌کنند که این ابزارها و امکانات توان رویارویی با خطرات و آسیب‌های فضای مجازی را ندارند و همچنین ممکن است در موارد بسیاری به راحتی توسط کودکان دور زده شوند.

۴-۱- کمبود ابزارها و امکانات موثر جهت اعمال کنترل و نظارت والدین

گروهی از والدین که شناخت نسبی در خصوص مسئله کنترل والدینی داشتند و به انواع رویکردها و شیوه‌های اعمال آن واقف بودند، در خصوص عدم وجود ابزارها و امکانات موثر گله‌مند هستند. با وجود نیاز شدید به ابزارهای کنترلی و نظارتی، تنها تعداد محدودی وجود دارد که به علت برخی مشکلات با اقبال عمومی چندان مواجه نشده‌اند و پروژه موفق در جذب کاربر محسوب نمی‌شوند. عمده دلایل نارضایتی از این ابزارها از دیدگاه والدین مورد مطالعه، گرافیک پایین، کارایی پایین و قابلیت اطمینان اندک بوده است.

۵-۱- لزوم وجود رابط کاربری مناسب در ابزارهای کنترل والدینی

برخی از والدین مورد مطالعه اذعان دارند که کار با ابزارهای کنترلی و نظارتی برای آنان با پیچیدگی‌هایی همراه است. پیچیدگی منوها، رابط کاربری نامناسب و عدم آموزش و راهنمایی‌های صحیح در خصوص نحوه کار با ابزار موجب شده است تا والدین بخصوص افرادی با سطح تحصیلات پایین‌تر در کار با آن‌ها با دشواری‌هایی روبرو شوند. عدم واقف بودن والدین به نحوه کار با ابزارها و توامان هوش و کنجکاوای کودکان موجب شده است تا استفاده از ابزارها برای والدین دشوار و شناسایی و دور زدن آن‌ها برای کودکان آسان شود که این مسئله درست نقطه مقابل هدفی است که ابزارها به آن منظور تهیه و طراحی شده‌اند.

۶-۱- اطلاع کودکان از اعمال مراقبت و پایش

کودکان و نوجوانان تمایل بالایی به داشتن آزادی عمل و حق انتخاب دارند و با هرگونه عملی که به زعم آنها این آزادی و اختیار عمل را محدود نماید، به طور ناخودآگاه یا خودآگاه مقابله می کنند و در برابر آن جبهه می گیرند. یکی از دغدغه های والدین در مقوله ابزارها و امکانات کنترل والدینی، در خصوص اطلاع کودکان از پیاده سازی ابزارهای کنترلی و نظارتگر است. به عقیده آنان، مطلع بودن کودکان از اینکه فعالیت های آنان مورد رصد و پایش قرار می گیرد در اغلب اوقات اثر معکوس بر فرآیند مراقبتی دارد. به نحوی که با اطلاع از این موضوع، تلاش کودکان برای یافتن راه های میانبر برای گذر از موانع و پالایه های ایجاد شده، بیشتر می شود که این امر نه تنها هدف اصلی را محقق نمی سازد بلکه ممکن است باعث بروز خطرات بیشتری برای کودکان شود. این نگرانی، شایسته پاسخی درخور بوده و تأکیدی بر نیاز به وجود ابزارها و امکانات هوشمند که حد المقذور برای کودکان و نوجوانان غیرقابل پیش بینی باشند، است.

در پایان، ذکر دو نکته در خصوص نقش آفرینی خانواده در بحث حفاظت از امنیت کودکان در فضای مجازی حائز اهمیت است؛

۱. شیوه های کنترلی و نظارتی والدین برای مراقبت از کودکان در فضای مجازی، با افزایش سن کودکان و متناسب با مقتضیات سنی آنان تغییر می کنند و باید به طور مرتب مورد بازبینی و توجه قرار بگیرند. همزمان با رشد سنی و طبعاً رشد عقلی آنان، کودکان درک بیشتر و جامع تری نسبت به مسائل، از جمله فضای مجازی پیدا می کنند. این مسئله دارای برخی پیامدهای مثبت و منفی است. از جمله اینکه نظارت و کنترل را برای والدین، مشکل تر می سازد، اما از جهاتی دیگر، بسیاری از کودکان همزمان با رشد ذهنی، به طور ناخودآگاه نسبت به خطرات و ریسک ها هوشیارتر شده و در نتیجه آسیب پذیری کمتری در مواجهه به آسیب های فضای مجازی خواهند داشت.

۲. همواره این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که جمیع اقدامات نامبرده و یا هر اقدامی در این راستا با هدف حفظ امنیت روانی کودک انجام می شود. لذا اگر میزان، نوع و رویکرد مورد استفاده در اعمال کنترل و مراقبت از کودکان به نحوی باشد که آنها را بیش از حد محدود نماید، دسترسی آنها را به سایتها و پلتفرم های مجاز را نیز تحت الشعاع قرار دهد و یا شیوه کنترل به نحوی باشد که کودکان از آن مطلع شوند با توجه به وجود حس کنجکاوی و میل به کشف و جستجو در کودکان، تاثیر وارونه بر آنها خواهد داشت.

جمع بندی

در سند موجود کوشیدیم تا بخشی از دغدغه‌ها و اهداف محوری نهادهای ذی نفع در مسئله کنترل والدینی را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم. به این منظور با گروه‌هایی از سه نهاد نقش آفرین تنظیم‌گر، رسانه و والدین مصاحبه انجام شد که خروجی آن‌ها به طور تفصیلی در سند و به طور اجمالی در اینفوگرافیک پیش رو ارائه شده است.

ضروری است تا هر یک از نهادها و مسئولین، ضمن شناخت صحیح از اهداف و حقوق نهاد مربوطه، در خصوص دغدغه‌ها و نیازمندی‌های سایر ذی نفعان اکوسیستم نیز اشراف کامل داشته باشند تا بتوانند با تعامل حداکثری و هم‌افزایی، در مسیر نیل به هدف گام بردارند و اکوسیستم ایمنی را برای فعالیت کودکان در فضای مجازی و به خصوص رسانه‌های فراگیر فراهم نمایند.



شکل ۲: اینفوگرافی محورهای اصلی دغدغه‌ها و نیازمندی‌های ذی نفعان مسئله کنترل والدینی